



بررسی تأثیر بیمه کشاورزی بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی

سبک زندگی و معیشت گندمکاران

پژوهش موردی: شهرستان کهگیلویه

سلمان تاج‌الدینی*، دکتر اصلان اگدرنژاد**، دکتر میرمهیار میرصالح‌پور***
بازنگری و تکمیل: حسین رسول‌اف

چکیده

به کار بستن سیاست‌های مطلوب افزایش توان تولید و کاهش خطرپذیری در بخش کشاورزی، از برنامه‌های دولتها برای رسیدن به توسعه اقتصادی به‌شمار می‌رود. در این راستا، بیمه محصولات کشاورزی به‌عنوان سازوکاری مناسب برای کاهش ریسک اقتصادی بخش کشاورزی، مطرح است. پژوهش پیش‌رو، با هدف بررسی تأثیر بیمه کشاورزی بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی، سبک زندگی و معیشت گندمکاران پذیرنده و نپذیرنده بیمه گندم در شهرستان کهگیلویه، انجام شده است. روش پژوهش، از نوع توصیفی و همبستگی بوده و جامعه نمونه مورد بررسی نیز، دربرگیرنده ۳۳۵ کشاورز گندمکار بیمه‌گذار و ۳۳۵ گندمکار غیربیمه‌گذار است که به‌طور کاملاً تصادفی انتخاب شدند. روایی صوری ابزار سنجش به‌وسیله استادان و خبرگان، و پایایی آن، با بهره‌گیری از روش آلفای کرونباخ، مورد تأیید قرار گرفت. نتایج برگرفته از پژوهش نشان داد که میان دو گروه بیمه‌گذار و غیربیمه‌گذار (پذیرنده و نپذیرنده بیمه)، از نظر مهارت اقتصادی، درآمد، پس‌انداز، تسهیلات بانکی، دسترسی به منابع اطلاعاتی و خدماتی همگانی، آموزش، دانش و اطلاعات، اعتماد اجتماعی و وضعیت تأهل، اختلاف معنی‌داری وجود داشته است. با توجه به نتایج تحلیل تشخیصی و توان تفکیک دو گروه بیمه‌گذار و غیربیمه‌گذار به‌وسیله ۱۵ متغیر مستقل، متغیر «سبک زندگی»، مهم‌ترین متغیر جداکننده دو گروه بیمه‌گذار و غیربیمه‌گذار بوده است. همچنین از آنجا که شاخص اعتماد اجتماعی، تفاوت معنی‌داری در میان دو گروه نامبرده داشته است؛ از این رو، پیشنهاد می‌شود که برای ترویج پذیرش بیمه، کشاورزان بزرگتر آن منطقه، به‌عنوان گروه هدف در نظر گرفته شوند تا با پذیرش بیمه از سوی این گروه، راه برای تقاضای کشاورزان خرده‌پا نیز، هموار گردد.

کلیدواژه‌ها:

بیمه، کشاورزان معیشتی، پذیرش، وضعیت اقتصادی - اجتماعی، سبک زندگی، شهرستان کهگیلویه.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز (نویسنده مسئول)

E-mail: salmantaj222@gmail.com

** گروه آبیاری و زهکشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

*** دکترای اقتصاد کشاورزی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

مقدمه

بخش کشاورزی، در اقتصاد کشورهای در راه توسعه، بویژه ایران، به سبب فعالیت بخش بزرگی از جمعیت در آن، جایگاه ویژه‌ای دارد. با این همه، می‌توان گفت که بخش کشاورزی، به‌رغم تمام استعدادها و شایستگی‌هایی که تا کنون داشته و تأکیدهایی که هر از چندگاهی بر محوری بودن آن شده است، زمینه شایسته و بایسته را برای برخورداری از شرایطی که بتواند به شیوه مطلوب، ظرفیتهای بالقوه خود را بالفعل کند، به‌دست نیاورده است (۵)؛ زیرا کشاورزی، همواره یکی از پرمخاطره‌ترین فعالیتهای اقتصادی بوده است. مخاطره‌هایی همچون، انواع آفتها و بیماریهای گیاهی و دامی، تغییرات ناگهانی دما، کمبود و پراکنش نامناسب بارندگی و پدیدآمدن خشکسالیهای پیاپی و پیامدهای برخاسته از آن و نیز رخدادن بلاهای طبیعی مانند سیل و زلزله، هر ساله خسارتهای بسیاری به بخش کشاورزی وارد می‌کند که جبران آن از عهده تولیدکنندگان، بیرون است (۲). در کشورهای در راه توسعه، بویژه ایران، به دلیل پایین بودن درآمد بیشتر کشاورزان، زیانهای اجتماعی و اقتصادی این رخدادها و حوادث ناگوار، نمود بیشتری دارد (۳).

در این راستا و در میان مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد، منطقه کهگیلویه (بخش گرمسیری) از جمله مناطقی است که به‌دلیل وجود زمینهای بارور و کشاورزان توانمند، سهم چشمگیری در اقتصاد کشاورزی این استان دارد. با اینکه بخش بزرگی از افراد این منطقه، به فعالیت کشاورزی اشتغال دارند؛ ولی به نظر می‌رسد که به دلیل ریسک بالای کشاورزی، از ظرفیتهای این بخش، بهره‌برداری کامل به عمل نمی‌آید. از این رو، یافتن راهکار یا تدبیری برای مدیریت ریسک تولید در این بخش و رویارویی با خسارتهای واردشده، نیازی بایسته به‌شمار می‌آید. در این زمینه، فراهمسازی امنیت سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، بی‌گمان بر میزان سرمایه‌گذاری در این بخش می‌افزاید که این نیز، نتیجه‌ای مستقیم در زمینه بهبود زندگی و معیشت خانوارها در بخش کشاورزی دارد. بدیهی است، چنانچه نتوان با روشهای مناسب از سرمایه‌گذاری حمایت کرد، در فراهمسازی مواد غذایی و توسعه معیشتی خانوارها در بخش کشاورزی، با مشکل روبه‌رو خواهیم شد.

در میان سازوکارهای گوناگون مدیریت ریسک تولید در بخش کشاورزی، به‌نظر می‌رسد که بیمه محصولات کشاورزی به‌عنوان یکی از سیاستها و ابزارهای مناسب حمایت از منابع مالی تولیدکنندگان،

بتواند ابزار مؤثری برای تضمین سرمایه و افزایش گرایش یا تمایل به سرمایه‌گذاری در میان سرمایه‌داران باشد و در نهایت، به افزایش تولید و بهبود زندگی و رونق معیشتی خانوارهای بخش کشاورزی بینجامد (۴). برقراری بیمه در بخش کشاورزی، با اطمینان بخشیدن به کشاورزان مبنی بر حمایت از آنها در برابر خسارتها و رویدادهای کنترل‌ناپذیر، انگیزه مورد نیاز را برای سرمایه‌گذاری و تولید بیشتر، فراهم می‌آورد و ضمن حفظ ثبات نسبی سرمایه‌گذاری، توانایی کشاورزان را در مدیریت ریسک افزایش می‌دهد و به توسعه اقتصادی و ثبات عمومی در کل اقتصاد کشور، کمک می‌کند (۱۴).

از آنجا که هدف از توسعه و گسترش بیمه محصولات کشاورزی، بالابردن و بهبود سطح تولید، کاهش ریسک برخاسته از مخاطره‌های طبیعی، تضمین حداقل درآمد کشاورز و مانند آن است، سازه‌ای که باید در این راستا، در برنامه‌های آینده مورد توجه قرار گیرد، افزایش تعداد پذیرندگان بیمه و نیز، حفظ و جلب کردن رضایت بیمه‌گذاران کنونی است؛ زیرا این موضوع، افزون بر برآورده‌ساختن هدفهای کلان پیش‌رو، زمینه را برای جذب مخاطبان و مشتریان جدید، بیش از پیش فراهم می‌کند (۸). آنچه می‌تواند برنامه‌ریزان را در این راستا یاری دهد، توان پیشبینی ادامه‌دهندگان بیمه محصولات کشاورزی و وجه تمایز آنان با ادامه‌دهندگان است. از این رهگذر، ضمن کاهش روند قطع پذیرش بیمه، از شکستهای برآمده از ادامه‌ندادن بیمه در میان کشاورزان نیز تا حدود زیادی، جلوگیری می‌شود (۸). از این رو، بایسته است تا ویژگیهای فردی کشاورزان، وضعیت اجتماعی و اقتصادی آنها، میزان ارتباط آنها با منابع اطلاعاتی و کانالهای ارتباطی و همچنین، نگرش آنها پیرامون موضوع بیمه، به‌عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر بهبود سبک زندگی و معیشت خانوار و تأثیر هر کدام از این عوامل بر رفتار پذیرشی دو گروه کشاورزان بیمه‌شده و بیمه‌نشده، مشخص شود. بنابراین هدف اصلی از انجام این پژوهش، بررسی تأثیر بیمه کشاورزی، بر وضعیت و معیشت گندمکاران پذیرنده و نپذیرنده در شهرستان کهگیلویه از استان کهگیلویه و بویراحمد، در نظر گرفته شد. از هدفهای اختصاصی و مهم این پژوهش نیز، مقایسه ویژگیهای اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و فردی افراد بیمه‌گذار و غیربیمه‌گذار و شناسایی مهمترین عوامل متمایزکننده دو گروه، بوده است.

پیشینه پژوهش

مطالعات و پژوهشهای فراوان و دامنه‌داری در زمینه بیمه محصولات کشاورزی و شناسایی و ارائه راهکارهای اساسی به منظور توسعه این صنعت و معرفی هرچه بیشتر آن به جامعه کشاورزان، انجام

گرفته است. در این بخش، نگاهی به برخی از پژوهشهایی که در این زمینه صورت گرفته است، خواهیم داشت.

مجاوریان و امیرنژاد (۱۳۸۷) در پژوهشی، عوامل مؤثر بر پذیرش بیمه برنج را در شهرستان ساری، بررسی کردند و نتیجه گرفتند که در برخی از مناطق این شهرستان، گرایش یا تمایل به بیمه شدن، بیشتر از دیگر مناطق است. همچنین، داشتن آگاهی از شرایط بیمه، سن و سابقه خسارتهای خشکسالی نیز، متغیرهای مؤثر بر پذیرش بیمه، برشمرده می شود (۹).

کرمی و همکاران (۱۳۸۷) نیز در پژوهشی در زمینه تعیین کننده های ادامه بیمه محصولات کشاورزی، به این نتیجه رسیدند که رضایت از بیمه، ایستار نسبت به بیمه، پاسخگویی بانک به شکایتها، میزان غرامت دریافتی، وجهه ظاهری بانک و میزان آگاهی از بیمه، مهمترین سازه های اثرگذار بر ادامه بیمه، به شمار می آیند (۸).

در پژوهش دیگری، طبائیان و آجیلی (۱۳۸۹) با بررسی عوامل مؤثر بر پذیرش بیمه محصول سیب سمیرم و اقلید، به این نتیجه رسیدند که پذیرندگان بیمه محصول سیب، ریسک پذیرترند؛ دید بهتر و مطلوبتری نسبت به وجهه سازمان بیمه گر دارند؛ میزان آگاهی آنها از بیمه، بالاتر؛ و اندازه باغ سیب آنها نیز، بزرگتر بوده است (۷).

نعیمی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهش خود، عوامل فردی، آموزشی و ترویجی مؤثر را بر نگرش گندمکاران استان زنجان نسبت به بیمه محصولات کشاورزی، بررسی کردند. نتایج آن پژوهش نشان داد، متغیرهای میزان مشورت با دیگر گندمکاران، دفعات تماس کارشناسان بیمه محصولات کشاورزی با گندمکاران و آگاهی آنان از هدفها و سودمندیهای (فواید) بیمه محصول گندم، ۴۷/۹ درصد از تغییرات نگرش کشاورزان نسبت به بیمه محصول گندم را تبیین می کنند (۱۲).

مشرقی و همکاران (۱۳۹۰) نیز، با بررسی دانش و آگاهی کشاورزان نسبت به بیمه تضمین تولید در استان مازندران، نشان دادند که تحصیلات، مطالعه مجله ها و بروشورهای ترویجی، تعداد موارد حضور و شرکت در کلاسهای آموزشی - ترویجی و همچنین، برنامه های تلویزیونی و رادیویی، بر دانش و آگاهی کشاورزان نسبت به بیمه تضمین تولید، تأثیر بسزایی دارد (۱۱).

در پژوهش دیگری، محمودی و پیرمادی (۱۳۹۲) با بررسی عوامل مؤثر بر پذیرش بیمه از سوی

شالیکاران در استان مازندران، نتیجه گرفتند که متغیرهای درآمد برگرفته از زراعت برنج، همکاری با کارشناسان جهاد کشاورزی و شرکت کردن در کلاسهای ترویجی، اثری مثبت بر پذیرش بیمه داشته است (۱۰).

امیرنژاد و عطائی سلوط (۱۳۹۲) نیز، با بررسی عاملهای مؤثر بر پذیرش بیمه بهره‌برداران محصولات زراعی و باغی، به این نتیجه رسیدند که متغیرهایی مانند بهره‌مندی از تسهیلات بانکی، شمار افراد خانواده، سطح زیرکشت، زیان‌دیدگی، حضور در کلاسهای ترویجی، تجربه کار کشاورزی، سطح تحصیلات، سن، درآمد و میزان آگاهی از بیمه محصولات کشاورزی، مهمترین عوامل پذیرش بیمه محصولات مرکبات و شلتوک در شهرستانهای ساری و قائم‌شهر به شمار می‌آید (۲).

در پژوهشی دیگر، ایروانی و همکاران (۱۳۸۵)، به بررسی عوامل مؤثر بر پذیرش بیمه گندم در شهرستان تفرش استان مرکزی پرداختند که یافته‌های آن پژوهش نشان داد، گندمکاران بیمه‌شده و بیمه‌نشده، از نظر عوامل اقتصادی همچون دریافت تسهیلات بانکی، تفاوت معنیداری با یکدیگر دارند (۳).

در پژوهش دیگر، موز و همکاران^۱ (۲۰۰۹)، با بررسی رضایت بیمه‌گذاران به این نتیجه رسیدند که عوامل مؤثر بر رضایتمندی بیمه‌گذاران، دربردارنده: اطمینان به کیفیت خدمات ارائه‌شده، درک‌شدنی و روشن بودن اطلاعات عرضه‌شده، مشکلاتی موجود در واحدهای خدمت‌رسانی مشتریان، اعتماد به حفاظت از اطلاعات شخصی و اطمینان کامل داشتن به شرکت بیمه است (۱۸).

در پژوهشی دیگر، انجولراس و سنتیز^۲ (۲۰۰۸)، عاملهای مؤثر بر پذیرش بیمه کشاورزی را در کشور فرانسه بررسی کردند و نتیجه گرفتند که متغیرهای درآمد و سن، اثر معنیداری به صورت منفی بر تقاضای بیمه دارد و متغیرهای سطح زیرکشت، سطوح آبیاری‌شده و تک‌کشتی، دارای اثر مثبت و معنیداری بر تقاضای بیمه است (۱۶).

در پژوهشی دیگر، چنگ^۳ (۲۰۱۰) با بررسی محدودیتهای توسعه بیمه کشاورزی در استان جیلین در چین، نشان داد که ناآگاهی کشاورزان از بیمه کشاورزی، نداشتن دانش بسنده (کافی) و نبود حمایت‌های مالی از صنعت بیمه، از مهمترین دلایلهای توسعه نیافتن بیمه کشاورزی است (۱۵).

۱ . Muze *et.al*

۲ . Enjolras & Sentis

۳ . Cheng

فینگر و لیمن^۱ (۲۰۱۱) نیز، در پژوهش خود، به بررسی تأثیر پرداختهای مستقیم بر پذیرش بیمه تگرگ برای محصولات کشاورزی پرداختند. آنان در بررسیهای خود، تأثیر زمین بزرگتر و در پی آن، خطرپذیری بیشتر بر اثر پدید آمدن آسیب و زیان، و همچنین، سن بیشتر و تحصیلات بیشتر را بر پذیرش بیمه، تأثیرگذار یافتند (۱۷).

یزدان پناه (۲۰۱۱) نیز در پژوهشی، با بررسی کشش و رضایت کشاورزان نسبت به بیمه محصولات در جنوب ایران، نشان داد که در این راستا، وجهه شرکت بیمه و کیفیت ارائه خدمات به بیمه‌گذاران، مورد نظر و تأکید کشاورزان است. همچنین، تعهد به کشاورزان، کیفیت خدمات عمومی برای کشاورزان، پندار یا تصویر ذهنی از شرکت بیمه و کیفیت جبران خسارت نیز به صورت مستقیم، بر رضایت کشاورزان از بیمه محصولات، تأثیر دارد (۲۰).

ژیو^۲ و همکاران (۲۰۱۲) نیز در پژوهش خود، نشان دادند که متغیرهای سن، جنسیت، سطح سواد، تعداد گاوهای تلف‌شده، آگاهی از اهمیت بیمه، درآمد سالانه، سابقه گاوداری، تعداد گاو پرورش‌یافته، میزان دانش بیمه‌ای و پذیرش حق بیمه، عاملهای مؤثر بر گرایش یا تمایل به پرداخت کشاورزان برای بیمه در استان شانگهای چین بوده است (۱۹).

همانگونه که پژوهشهای پیشین نیز نمایان کرد؛ کشاورزان در مناطق مختلف و در زمینه محصولات کشاورزی گوناگون، به پذیرش بیمه کشاورزی، واکنشهای متفاوتی نشان می‌دهند. از همین رو، در این پژوهش، متغیرهای بهره‌مندی از تسهیلات بانکی، شمار افراد خانواده، کل سطح زیرکشت (هکتار)، احتمال و میزان آسیب و زیان‌دیدگی، حضور در کلاسهای ترویجی، تجربه کار کشاورزی (سال)، سطح تحصیلات، سن، درآمد کشاورزان و میزان آگاهی از بیمه محصولات کشاورزی به عنوان متغیرهای پایه در پذیرفتن یا نپذیرفتن (پذیرش یا نبود پذیرش) بیمه محصولات کشاورزی در منطقه مورد بررسی، در نظر گرفته شده است. همچنین، با توجه به پیشینه پژوهشها و تحلیلهای انجام گرفته می‌توان گفت که بیمه محصولات کشاورزی، مناسبترین راهکار برای دستیابی به هدفهای کلان اقتصادی و رفاهی در بخش کشاورزی است. کنترل و جلوگیری از پیامدهای منفی برخاسته از اجرای طرح تحول اقتصادی نیز، از جمله این هدفهاست. انتظارهایی که از یک نظام بیمه کارآمد می‌رود، در بردارنده مواردی همچون

۱ . Finger & Lehmann

۲ . Xiu et.al

افزایش روحیه ریسک‌پذیری کشاورزان و پذیرش فناوریهای نوین و در نتیجه، افزایش کارایی تولید و بهره‌وری و همچنین، کاهش نوسانهای درآمدی کشاورزان، به‌دلیل توزیع زمانی و مکانی ریسکهای حاکم بر تولید است. با توجه به این انتظارات، به نظر می‌رسد، این راهکار بتواند به افزایش امنیت اقتصادی کشاورزان در بستر اجرای طرح تحول اقتصادی، کمک شایان توجهی کند.

در پژوهش پیش‌رو، موارد پیشگفته، در قلمرو جغرافیایی کهگیلویه، مورد بررسی قرار گرفته است. استان کهگیلویه و بویراحمد، با مساحت ۱۶۲۶۴ کیلومتر مربع، در جنوب غربی ایران قرار دارد و از شمال به استانهای اصفهان و چهارمحال و بختیاری، از شرق با فارس، از جنوب نیز، با فارس و بوشهر و از غرب با خوزستان، همسایه است. کهگیلویه، یکی از شهرستانهای این استان است که از شمال به شهرستانهای ایذه و بروجن، از شرق به شهرستان بویراحمد، از جنوب به شهرستان گچساران و از غرب به شهرستانهای بهبهان و رامهرمز، محدود می‌شود. دهدشت، مرکز این شهرستان است و از نظر جغرافیایی در ۳۳ دقیقه طول شرقی و ۴۷ دقیقه عرض شمالی و در ارتفاع ۸۰۰ متری از سطح دریا و در بخش گرمسیری استان، واقع شده است (۱).

روشها و ابزارهای پژوهش

پژوهش پیش‌رو، به‌صورت پیمایشی^۱ انجام گرفته و از لحاظ تجزیه و تحلیل عددی داده‌ها، پژوهشی کمی است. جامعه آماری پژوهش، دربرگیرنده کشاورزان بیمه‌گذار صندوق بیمه کشاورزی شعبه کهگیلویه است که در مجموع، ۶۷۰ نفر بودند. برای تعیین حجم نمونه نیز، با بهره‌گیری از جدول پاتن، تعداد ۳۳۵ نفر از میان بیمه‌گذاران پیشگفته، انتخاب شدند و به نسبت برابر با آن نیز، افراد غیربیمه‌گذار از منطقه مورد بررسی، برگزیده شدند که در مجموع، تعداد ۶۷۰ بیمه‌گذار و غیربیمه‌گذار برای انجام مطالعه به‌دست آمد. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز برپایه هدفهای پژوهش، پرسشنامه‌ای در چارچوب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای (۱- خیلی کم، ۲- کم، ۳- متوسط، ۴- زیاد، ۵- خیلی زیاد) طراحی و فراهم گردید که روایی^۲ آن با بهره‌گیری از نظرهای استادان و متخصصان و پس از چند مرحله اصلاح و بازنگری، به‌دست آمد. برای تعیین پایایی^۳ پرسشنامه نیز، یک مطالعه مقدماتی با ۳۰ پرسشنامه انجام

۱. Survey Research

۲. Validity

۳. Reliability

گرفت، که ضریب آلفای کرونباخ^۱ به دست آمده (جدول شماره ۱)، نمایانگر اعتبار مناسب پرسشنامه طراحی شده است. گفتنی است که پدهازور^۲ اعتبار بین ۰/۵ تا ۰/۸ را برای پژوهشهای غیر تجربی، پذیرفتنی می‌داند (۱۳). داده‌ها و اطلاعات کمی پژوهش نیز، پس از گردآوری، با بهره‌گیری از نرم‌افزار آماری SPSS ۲۱، مورد تجزیه و تحلیل آمار توصیفی و استنباطی قرار گرفت. در زمینه آمار توصیفی، از شاخصهای گرایش به مرکز (درصد، فراوانی، میانگین) و پراکندگی (انحراف معیار، دامنه تغییرات) با هدف دسته‌بندی آزمودنیها از نظر ویژگیهای مختلف و توصیف نمونه آماری، بهره‌گیری شد. در زمینه آمار استنباطی نیز، با هدف بررسی رابطه میان متغیرهای مستقل و وابسته، آماره‌های مقایسه میانگینها و تابع تشخیصی به کار رفت.

جدول شماره ۱: آزمون پایایی و روایی مفاهیم پژوهش

ضریب آلفای کرونباخ	تعداد گویه	سازه‌ها
۰/۷۶	۳	اشتغال و کار
۰/۷۱	۳	درآمد
۰/۷۷	۳	پس‌انداز
۰/۸۰	۴	مالکیت و داراییها
۰/۹۱	۲	وام و تسهیلات
۰/۸۵	۴	دسترسی به منابع اطلاعاتی و خدماتی همگانی (جمع)
۰/۸۵	۵	شیوه و سبک زندگی
۰/۶۷	۷	آموزش، دانش و اطلاعات
۰/۷۸	۵	رفاه اجتماعی
۰/۹۵	۳	اعتماد اجتماعی
۰/۸۲	۱۵	عملکرد سازمان

برگرفته از: یافته‌های پژوهش مقدماتی

۱. Cronbach Alpha

۲. Pedhazur

یافته‌های پژوهش و بحث

یافته‌های توصیفی به‌دست‌آمده از ویژگیهای افراد مورد بررسی نشان داد که میانگین سنی این افراد، ۴۸/۱۸ سال است. بیشتر افراد نمونه، بی‌سواد و دارای شغل دوم آزاد، (در یکی از حرفه‌های رانندگی، کارهای ساختمانی، مغازه‌داری و مانند آن)، هستند. ۹۲/۴ درصد از افراد مورد بررسی، متأهل و ۷/۶ درصد، مجرد بودند. و بیشترشان نیز، در خانواده‌هایی با بُعد چهار تا پنج نفری، زندگی می‌کردند.

در ادامه این بخش، به مقایسه وضعیت اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و فردی افراد مورد بررسی در دو گروه بیمه‌گذار و غیربیمه‌گذار پرداخته شده و بنابراین در این زمینه، آزمون آماری تی مستقل به منظور مقایسه میانگین دو گروه، به‌کار رفته است. همچنین، رابطه میان عوامل اقتصادی از جمله مهارتهای اقتصادی، درآمد، پس‌انداز، مالکیت و دارایی، و همچنین برخورداری از وام و تسهیلات بانکی در بین افراد بیمه‌گذار و غیرگذار نیز، مورد بررسی قرار گرفت. در این فرایند، نخست از آزمون تی (T.Test) برای مقایسه میانگین این تعیین‌کننده‌ها در میان افراد بیمه‌گذار و غیربیمه‌گذار، بهره‌گیری شد. همان‌گونه که در جدول شماره ۲ نیز مشاهده می‌شود، از لحاظ میانگین شاخصهای مهارت اقتصادی، درآمد، پس‌انداز و تسهیلات بانکی، اختلاف معنیداری میان افراد بیمه‌گذار و غیربیمه‌گذار وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که افراد بیمه‌گذار، از عوامل اقتصادی نیرومندتری نسبت به افراد غیربیمه‌گذار برخوردارند. پژوهش‌های پروانی و همکاران (۱۳۸۵) نیز نشان داده بود که گندمکاران بیمه‌شده و بیمه‌نشده، از نظر عوامل اقتصادی همچون دریافت تسهیلات بانکی، با یکدیگر تفاوت معنیداری دارند (۳)، همچنین در پژوهش طبائیان و آجیلی (۱۳۸۹)، دو گروه پذیرنده و نپذیرنده بیمه محصولات کشاورزی، از لحاظ وضعیت درآمدی با هم تفاوت معنیداری داشتند (۷).

جدول شماره ۲: مقایسه وضعیت اقتصادی افراد بیمه‌گذار و غیربیمه‌گذار

آماره t	سطح معنیداری	اختلاف میانگین	غیربیمه‌گذار (n=۳۳۵)		بیمه‌گذار (n=۳۳۵)		مؤلفه‌ها
			انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۴/۶۵۰*	۰/۰۳۶	۰/۴۵	۱/۲۲	۶/۰۸	۱/۳۲	۶/۵۳	مهارت‌های اقتصادی
۶/۴۴۳*	۰/۰۱۸	-۰/۳۸	۱/۱۹	۶/۹۲	۱/۳۰	۶/۵۴	درآمد
۷/۶۵۱*	۰/۰۰۸	۰/۷۳	۱/۱۱	۵/۴۴	۱/۳۲	۶/۱۷	پس‌انداز
۷/۱۱۵ ^{ns}	۰/۰۷۲	۰/۶۹	۱/۱۴	۶/۴۳	۱/۳۴	۷/۱۲	مالکیت و دارایی
۴/۹۵۷**	۰/۰۰۰	۰/۲۲	۰/۳۵	۲/۱۰	۰/۷۲	۲/۳۲	تسهیلات بانکی

برگرفته از: یافته‌های پژوهش ns: p > ۰,۰۵ *: p < ۰,۰۵ **: p < ۰,۰۱

چنانکه در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، از دیدگاه میانگین شاخصهای دسترسی به منابع اطلاعاتی و خدماتی همگانی (جمعی)، آموزش، دانش و اطلاعات و اعتماد اجتماعی، اختلاف معنیداری میان افراد بیمه‌گذار و غیربیمه‌گذار وجود دارد؛ به گونه‌ای که بیمه‌گذاران، از عوامل اجتماعی- فرهنگی نیرومندتری نسبت به غیربیمه‌گذاران برخوردارند. مهمترین دلیلی که می‌توان در این باره گفت، شباهت داشتن افراد مورد بررسی، در پایداری به ارزشهای فرهنگی و شباهت فراوان وضعیت اجتماعی دو گروه بیمه‌گذار و غیربیمه‌گذار است. در پژوهش طبائیان و آجیلی (۱۳۸۹) نیز، متغیرهای تماس با منابع اطلاعاتی و آگاهی دو گروه پذیرنده و نپذیرنده بیمه محصولات کشاورزی، با هم تفاوت معنیداری داشتند که یافته‌های پیشگفته را تأیید می‌کند (۷).

جدول شماره ۳: مقایسه وضعیت اجتماعی - فرهنگی افراد بیمه‌گذار و غیربیمه‌گذار

آماره t	سطح معنیداری	اختلاف میانگین	غیر بیمه‌گذار (n=۳۳۵)		بیمه‌گذار (n=۳۳۵)		مؤلفه‌ها
			انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۱۰۷ **	۰/۰۰۰	۰/۰۲	۲/۵۹	۸/۹۳	۱/۶۳	۸/۹۵	دسترسی به منابع اطلاعاتی همگانی (جمعی)
-۳/۵۸۵ ns	۰/۲۷	-۰/۵۳	۲/۹۲	۱۵/۲۳	۲/۵۹	۱۴/۴۷	شیوه و سبک زندگی
۰/۹۰۶*	۰/۰۲۰	۱/۲۶	۵/۴۸	۱۶/۷۳	۵	۱۷/۹۹	آموزش، دانش و اطلاعات
۰/۰۴۲ ns	۰/۹۸۱	۰/۰۲	۴/۶۱	۱۶/۴۹	۴/۵۸	۱۶/۵۱	رفاه اجتماعی
۱۴/۷۸ **	۰/۰۰۲	۲/۸۶	۲/۲۳	۵/۶۳	۲/۷۵	۸/۴۹	اعتماد اجتماعی

برگرفته از: یافته‌های پژوهش ns: p > ۰,۰۵ *: p < ۰,۰۵ **: p < ۰,۰۱

یافته‌های نگاشته شده در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، از نظر میانگین شاخص وضعیت تأهل، اختلاف معنیداری میان افراد بیمه‌گذار و غیربیمه‌گذار وجود دارد. همچنین از لحاظ میانگین شاخصهای سواد، سن، اشتغال و بُعد خانوار نیز، میان دو گروه پیشگفته، اختلاف معنیداری وجود ندارد و می‌توان گفت که دو گروه یادشده، در وضعیت یکسانی از لحاظ این شاخصها قرار دارند. یافته‌های پیشگفته، با نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش طبائیان و آجیلی (۱۳۸۹) که مهمترین تفاوت فردی میان دو گروه پذیرنده و نپذیرنده بیمه کشاورزی را سطح سواد آنان دانست، همخوانی ندارد (۷).

جدول شماره ۴: مقایسه وضعیت ویژگیهای فردی افراد بیمه‌گذار و غیربیمه‌گذار

آماره t	سطح معنیداری	اختلاف میانگین	غیربیمه‌گذار (n=۳۳۵)		بیمه‌گذار (n=۳۳۵)		مؤلفه‌ها
			انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۱۱۴ ns	۰/۲۳	-۲/۳۴	۵/۳۴	۷/۰۷	۵/۵۲	۴/۷۳	سواد
۲/۹۸۲ ns	۰/۰۶	۲/۹۲	۱۱/۱۰	۴۶/۷۲	۱۳/۳	۴۹/۶۴	سن
۰/۱۵۷ ns	۰/۷۵	۰/۰۱	۰/۲۵	۰/۹۳	۰/۲۴	۰/۹۴	اشتغال
-۰/۱۳۳ ns	۰/۴۴	۰/۰۵	۱/۸۴	۵/۴۲	۲/۱۰	۵/۳۷	بُعد خانوار
۱/۰۱۹*	۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۲۸۲	۰/۹۱	۰/۲۴۸	۰/۹۳	وضعیت تأهل

a = بر حسب سال b = به صورت مجازی صفر (غیر شاغل) و یک (شاغل) بیان شده است

برگرفته از: یافته‌های پژوهش ns: p > ۰,۰۵ *: p < ۰,۰۵ **: p < ۰,۰۱

پس از اینکه در فرایند پژوهش، روش مقایسه میانگین ویژگیهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فردی، برای شناسایی عوامل تعیین‌کننده و ارزیابی دقت مدل در تفکیک افراد به دو گروه بیمه‌گذار و غیربیمه‌گذار به کار رفت، در ادامه فرایند، از مدل تحلیل ممیزی به منظور تمایز میان ویژگیهای افراد بیمه‌گذار و غیربیمه‌گذار و کشف عوامل تعیین‌کننده مهم و ارزیابی دقت این روش، بهره‌گیری شد. در این مدل، انتخاب متغیرها بر اساس روش لامبدای ویلکس^۱ انجام گرفت. همچنین، تحلیل تشخیصی، یک روش طبقه‌بندی است که با ترکیب متغیرها، تابع تشخیص پدید می‌آورد و تابع تشخیص نیز، با داشتن مشخصات هر فرد از جامعه، پیشبینی می‌کند که فرد مورد نظر به کدام گروه تعلق دارد. از

۱ . Wilks' Lambda

سویی، تحلیل تشخیصی، ترکیب دو یا چند متغیر مستقل را که به بهترین وجه، تفاوت میان دو گروه را تبیین می‌کند، نشان می‌دهد. این روند، از راه حداکثر کردن واریانس میان گروه‌ها نسبت به واریانس درون گروه‌ها، بر مبنای یک قاعده تصمیم‌گیری آماری، انجام می‌گیرد. ترکیب خطی برای تحلیل تشخیصی برپایه رابطه شماره ۱، انجام می‌گیرد:

$$Z = W_1 X_1 + W_2 X_2 + W_3 X_3 + \dots + W_n X_n \quad (1)$$

در این معادله، Z ، میزان تشخیص و یا میزان تفاوت، W ، وزن تشخیص و X نیز، متغیر مستقل است. در این پژوهش، براساس مدل تحلیل ممیزی، مؤلفه‌های مهارت اقتصادی (X_1)، درآمد (X_2)، پس‌انداز (X_3)، مالکیت و دارایی (X_4)، برخورداری از وام و تسهیلات (X_5)، دسترسی به منابع اطلاعاتی و خدماتی همگانی (X_6)، سبک زندگی (X_7)، آموزش (X_8)، رفاه اجتماعی (X_9)، اعتماد اجتماعی (X_{10})، سن (X_{11})، تحصیل (X_{12})، تأهل (X_{13})، شغل (X_{14}) و بُعد خانوار (X_{15}) به عنوان سازه‌های پیشبینی‌کننده پذیرش بیمه کشاورزی، به ترتیب وارد مدل شده است. جدول شماره ۵، ضریبهای استاندارد شده و ضریبهای استاندارد نشده تابع تشخیص یا متمایزکننده دو گروه افراد بیمه‌گذار و غیربیمه‌گذار را مشخص می‌کند. مقادیر استاندارد شده نیز اهمیت نسبی متغیرها را در تابع تشخیصی نشان می‌دهند. مقادیر بزرگتر، نمایانگر اهمیت بیشتر آن متغیر در تابع تشخیصی است. مقادیر استاندارد شده تابع تشخیصی نشانگر آن است که متغیرهای اعتماد اجتماعی، مهارت اقتصادی، پس‌انداز و سبک زندگی، به ترتیب بیشترین تأثیر را بر بیمه‌گذار یا غیربیمه‌گذار شدن دو گروه داشته‌اند. ضریبهای استاندارد نشده نیز، به منظور مقادیر ضریبهای تعیین معادله تشخیصی یا متمایزکننده دو گروه بیمه‌گذار و غیربیمه‌گذار، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۵: ضریب استاندارد و غیراستاندارد متغیرهای مستقل پژوهش

متغیر	ضریب استاندارد	ضریب غیر استاندارد
مهارت اقتصادی (X_1)	۰/۶۷۷	۰/۲۲۸
درآمد (X_2)	۰/۴۷۵	۰/۳۱۷
پس‌انداز (X_3)	۰/۵۵۱	۰/۳۷۶
مالکیت و دارایی (X_4)	۰/۲۴۳	۰/۳۵۰
برخورداری از وام و تسهیلات (X_5)	۰/۹۹۰	۰/۴۷۳
دسترسی به منابع اطلاعاتی و خدماتی همگانی یا جمعی (X_6)	۰/۱۵۳	۰/۱۰۰
سبک زندگی (X_7)	-۰/۵۴۲	-۰/۱۷۶
آموزش (X_8)	۰/۱۸۸	۰/۰۴۵
رفاه اجتماعی (X_9)	۰/۱۷۶	۰/۰۶۰
اعتماد اجتماعی (X_{10})	۰/۷۷۷	۰/۷۲۶
سن (X_{11})	۰/۳۰۰	۰/۱۴۷
تحصیل (X_{12})	۰/۲۹۱	۰/۰۰۶
تأهل (X_{13})	۰/۱۳۲	۰/۰۲۷
شغل (X_{14})	-۰/۲۱۵	۰/۰۰۸
بُعد خانوار (X_{15})	۰/۱۶۶	۰/۰۲۹

برگرفته از: یافته‌های پژوهش

بر اساس مقادیر استاندارد نشده، معادله تشخیصی متمای کننده دو گروه بیمه‌گذار و غیربیمه‌گذار را می‌توان به شکل رابطه شماره ۲، ارائه کرد:

$$z = 0.228X_1 + 0.317X_2 + 0.376X_3 + 0.350X_4 + 0.473X_5 + 0.100X_6 - 0.176X_7 + 0.045X_8 + 0.060X_9 + 0.726X_{10} + 0.147X_{11} + 0.006X_{12} + 0.027X_{13} + 0.008X_{14} + 0.029X_{15} \quad (2)$$

بر پایه معادله پیشگفته، متغیر سبک زندگی، مهمترین متغیر متمایزکننده دو گروه بیمه‌گذار و غیربیمه‌گذار بوده است. پس از آن، متغیرهای تحصیلات، شغل، وضعیت تأهل، بُعد خانوار، آموزش، رفاه اجتماعی، دسترسی به منابع اطلاعاتی و خدماتی همگانی (جمعی)، سن، مهارت اقتصادی، درآمد، مالکیت و دارایی، پس‌انداز، برخورداری از وام و تسهیلات و اعتماد اجتماعی، به ترتیب، در رده‌های دیگر قرار می‌گیرند. در تحلیل تشخیصی، انتخاب متغیرها برای ورود به تحلیل، بر مبنای حداقل مقدار لامبدای ویلکس انجام می‌گیرد. به‌طور کلی در تحلیل تشخیصی، برای سنجیدن کارایی تابع تشخیص، بیشتر از آزمون لامبدای ویلکس بهره‌گیری می‌شود. با توجه به جدول شماره ۶، در این تابع مقدار لامبدای ویلکس، ۰/۴۴۸ است که با توجه به سطح معنیداری آن ($Sig=0/0001$) می‌توان نتیجه گرفت، تفاوت ممیزی میان دو گروه بیمه‌گذار و غیربیمه‌گذار، از نظر آماری معنیدار است. در واقع باید گفت که تابع به‌دست‌آمده می‌تواند دو گروه بیمه‌گذار و غیربیمه‌گذار را از هم متمایز کند. معنیدار بودن کای اسکوئر (خی‌دو)، نخستین گام در ارزیابی مدل است و در واقع، معنیداری تابع تشخیصی به‌وسیله کای اسکوئر مشخص می‌شود.

جدول شماره ۶: سطح معنیداری تابع تشخیص

متغیر	لامبدای ویلکس	کای اسکوئر	درجه آزادی	سطح معنیداری
تابع تشخیص (Z)	۰/۶۱۷	۳۱۹/۸۶۱	۱۰	۰/۰۰۰۱

برگرفته از: یافته‌های پژوهش

همچنین، برای تعیین میزان کارایی تابع ممیزی به‌دست‌آمده از مدل تلفیقی و توانایی این مدل در تقسیم‌بندی درست (صحیح) دو گروه افراد بیمه‌گذار و غیربیمه‌گذار، شاخص درصد درستی (صحت) گروه‌بندی محاسبه شد. برپایه یافته‌های ارائه‌شده در جدول شماره ۷، درصد درستی (صحت) گروه‌بندی به‌دست‌آمده از مدل تلفیقی، برابر با ۷۶/۱ است. این یافته نشان می‌دهد که مدل، ۷۶/۱ درصد از افراد بیمه‌گذار و غیربیمه‌گذار را به‌طور درست (صحیح) طبقه‌بندی کرده و در گروه‌های واقعی قرار داده است.

جدول شماره ۷: نتایج گروه‌بندی به‌دست آمده از مدل تشخیصی در میان افراد بیمه‌گذار و غیربیمه‌گذار

آمار درستی یا (صحت) پیشبینی	پیشبینی شده		مشاهده شده
	غیر بیمه‌گذار	بیمه‌گذار	
۷۵/۸	۸۱	۲۴۵	بیمه‌گذار
۷۶/۴	۲۵۶	۷۹	غیربیمه‌گذار
۷۶/۱	-		درصد کل موارد درست پیشبینی شده

برگرفته از: یافته‌های پژوهش

جمع‌بندی و پیشنهادها

برپایه یافته‌ها و نتایج پژوهش می‌توان گفت، بیمه محصولات کشاورزی، راهکاری مثبت و مناسب است که می‌تواند، ابزاری برای دستیابی به هدفهای کلان توسعه روستایی و رسیدن به معیشت پایدار باشد. در این میان، برای رسیدن به این آرمانهای مهم، پیشنهادها و راهکارهای زیر، بایسته به نظر می‌رسد: نخست، با توجه به میانگین سنی افراد مورد بررسی که بیشترشان افرادی منطقی و آموزش‌پذیرند و نیز از آنجا که در زمینه سطح تحصیلات، بیشتر این افراد بی‌سواد هستند و همچنین با توجه به رابطه مثبت و معنیدار میان سطح تحصیلات با پذیرش و تقاضای بیمه، پیشنهاد می‌شود: با ارائه خدمات آموزشی به زبان ساده گفتاری و نوشتاری و ترجیحاً با زبان محلی و محاوره‌ای، نسبت به آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی به کشاورزان در زمینه مزیت‌های بیمه برای رسیدن به معیشت پایدار اقدام شود تا با انجام نیازسنجی‌های دقیق، شرایط و زمینه‌های مناسبی برای افزایش حس خودباوری، خودیاری و نوپذیری آنها فراهم آید و از این راه، نگرش کشاورزان پیرامون بیمه محصولات کشاورزی، بهبود یابد. بی‌گمان، دستیابی به این هدف، با تعامل و همکاری میان صندوق بیمه کشاورزی با اداره‌ها و نهادهای مربوط در زمینه تولید محصولات کشاورزی، از جمله اداره‌های منابع طبیعی، جهاد کشاورزی، امور عشایری،

دهیاری‌ها و شوراهای روستایی، امکانپذیر است.

همچنین از آنجا که شاخص اعتماد اجتماعی در میان افراد مورد بررسی، اثر مثبت و معنیداری بر پذیرش بیمه به‌عنوان مهمترین عامل تأثیرگذار بر معیشت خانوارهای روستایی داشته است و پایین بودن اعتماد اجتماعی در مناطق پیشگفته نیز، باعث نپذیرفتن بیمه از سوی گندمکاران می‌شود؛ از همین رو و برای ترویج پذیرش بیمه کشاورزی پیشنهاد می‌شود، کشاورزان بزرگتر (کشاورزان زمیندار بزرگ) آن منطقه، به‌عنوان گروه هدف در مرحله نخست در نظر گرفته شوند تا با پذیرش سریعتر بیمه از سوی این گروه، راه برای تقاضای کشاورزان خرده‌پا نیز، هموار گردد.

از سویی، نظر به اینکه شغل بیشتر افراد جامعه آماری مورد بررسی، کشاورزی است؛ بنابراین اهمیت آگاه‌سازی کشاورزان از سودمندیها و مزیت‌های بیمه کشاورزی، بویژه به‌عنوان یک پشتوانه مالی، بیش از پیش، آشکار می‌شود. همچنین، با توجه به اینکه بیشتر کشاورزان، خرده‌مالک هستند و کشاورزی، نقش اساسی در فراهم‌سازی هزینه‌های زندگی آنها دارد و از سویی نیز همین درآمد آنان نیز، پایین است و می‌تواند انگیزه آنها را برای پذیرش بیمه کاهش دهد؛ از همین رو پیشنهاد می‌شود که بانک کشاورزی، زمینه‌ای فراهم سازد تا کشاورزان در صورت امکان و نیاز، بتوانند از تسهیلات و اعتبارات اختصاص یافته به آنها، بهره‌مند باشند.

همچنین، از آنجا که دسترسی به منابع اطلاعاتی و خدماتی همگانی (جمعی)، تأثیر معنیداری بر پذیرش بیمه کشاورزی داشته است؛ از همین رو بایسته به نظر می‌رسد که برای افزایش پذیرش بیمه، از تبلیغات گسترده در رسانه‌های همگانی، همچون رادیو و تلویزیون و برگزاری کلاسهای ترویجی گوناگون، بهره‌گیری شود تا میزان آگاهی کشاورزان از طرح بیمه، افزایش یابد. تبلیغات در نشریه‌ها نیز، یکی از اقدامهای مهمی است که می‌تواند ضمن اطلاع‌رسانی به کشاورزان، فرهنگ بیمه‌کردن محصول را در میان کشاورزان گسترش دهد.

در پایان نیز پیشنهاد می‌شود، با بهره‌گیری از مشوقهایی مانند معرفی و تقدیر از کشاورزانی که همه‌ساله، قراردادهای خود را تمدید کرده‌اند؛ دیگر کشاورزان را نیز برای مشارکت در طرح بیمه محصولات کشاورزی، تشویق و امیدوار کرد.

منابع:

۱. استانداری کهگیلویه و بویراحمد. (۱۳۹۰). معرفی استان کهگیلویه و بویراحمد، دسترس‌پذیر در <http://www.ostan-kb.ir> : تارگه.
۲. امیرنژاد، ح. و عطایی سلوط، ک. (۱۳۹۲)، «بررسی عامل‌های مؤثر بر پذیرش بیمه بهره‌برداران محصولات زراعی و باغی»، *اقتصاد کشاورزی*، ۱: ۲۹-۴۷.
۳. ایروانی، ه، واحدی، م، کلاتری، خ و موحد محمدی، س. ح. (۱۳۸۵)، «عوامل مؤثر بر پذیرش بیمه گندم در شهرستان تفرش»، *مجله علوم کشاورزی ایران*، ۱: ۱۴۴-۱۳۷.
۴. خادم آدم، ن. (۱۳۷۰)، *سیاست اقتصاد کشاورزی در نظام‌های مختلف و ایران، تهران: انتشارات اطلاعات.*
۵. رضوانی، م، (۱۳۸۲)، «توسعه روستایی اهمیت و ضرورت آن در محرومیت‌زدایی»، اندیشه، ۴: ۲۷۵-۲۶۳.
۶. ساجدی، ف، (۱۳۷۸)، راهکارهای عملی اشاعه فرهنگ بیمه کشاورزی»، *مجموعه مقالات دومین همایش سراسری مسئولین و کارشناسان صندوق بیمه محصولات کشاورزی، تهران.*
۷. طبائیان، ن. و آجیلی، ع. ا، (۱۳۸۹)، «عوامل مؤثر بر پذیرش بیمه محصول سیب مطالعه موردی: باغداران سیب؛ سمیرم و اقلید»، *نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی)*، ۱: ۸۲-۷۲.
۸. کریمی، ع، زمانی، غ. ح و کشاورز، م، (۱۳۸۷)، «تعیین‌کننده‌های ادامه بیمه محصولات کشاورزی»، *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۱۶ (۶۲): ۵۳-۸۱.
۹. مجاوریان، م. و امیرنژاد، ح، (۱۳۸۷)، «بررسی عوامل مؤثر بر تقاضای بیمه توسط شالیکاران (مطالعه موردی شهرستان ساری)»، *مجله کشاورزی*، ۱۰ (۱): ۱۶۲-۱۵۱.
۱۰. محمودی، ا. و پیرمرادی، ا. ح، (۱۳۹۲)، «بررسی عوامل مؤثر بر پذیرش بیمه توسط شالیکاران در استان مازندران؛ مطالعه موردی شهرستان بابل»، *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۲۲ (۸۶): ۴۸-۳۱.
۱۱. مشرقی، ن، مشرقی، ق و میر صالح پور. م، (۱۳۹۰)، «بررسی دانش و آگاهی کشاورزان نسبت به بیمه تضمین تولید در استان مازندران»، *اولین کنفرانس ملی هواشناسی و مدیریت آب کشاورزی.*
۱۲. نعیمی نظام‌آبادی، م، (۱۳۷۷)، «بررسی و تعیین عوامل مؤثر بر توسعه بیمه کشاورزی»، *پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، گروه مدیریت، دانشگاه تهران.*
۱۳. نوری پور، م، توکلی تبار، ز و میرزایی، ش، (۱۳۹۳)، «سنجش سرمایه اجتماعی زنان عضو و غیر عضو تعاونی روستایی بخش مرکزی شهرستان چرام»، *زن در سیاست و توسعه*، ۱۱ (۱): ۱۵۱-۱۳۵.
۱۴. یعقوبی، ا. و چیدری، م، (۱۳۸۰)، «بررسی عوامل مؤثر بر پذیرش بیمه دام از سوی دامداران روستایی؛ مطالعه موردی استان اصفهان»، *مجموعه مقالات همایش بیمه کشاورزی، توسعه و امنیت سرمایه‌گذاری، بانک کشاورزی ایران، تهران.*
15. Cheng, S. H. (2010). "An Analysis on the Constraints of Agricultural Insurance Development in Jilin Province", *Journal of Changchun University.*
16. Enjolras, G. and Sentis, P. (2008). "The Main Determinants of Insurance Purchase; an Empirical Study on Crop Insurance Policies in France", *Paper prepared for presentation at the 12th EAAE Congress 'People, Food and Environments: Global Trends and European Strategies'*, 26-29.
17. Finger, R. and N. Lehmann. (2011). "Do Direct Payments Influence Farmers' Hail Insurance Decisions?". *EAAE 2011 Congress Change and Uncertainty: August 30 to September 2, ETH Zurich, Switzerland.*



18. Muze, M., GP. Olubiyo Hill and JPG. Webster .(2009). "Econometric Analysis of the Impact of Agricultural Insurance on Farming System in the Middle Belt, Nigeria", *AJFAND*, Vol. 9, No. 6.
19. Xiu F, F. Xiu. and S. Bauer. (2012). "Farmers' Willingness to Pay for Cow Insurance in Shaanxi Province, China", *Procedia Economics and Finance* 1: 431 – 440.
20. Yazdanpanah M. N, S. Monfared and Hochrainer S. (2011). "Farmers satisfaction about Crop Insurance: Case of South of Iran", *Development on the margin, October 5-7. Tropentag*.

Investigation on the Effects of Agricultural Insurance on Socio-Economic Situation and Lifestyle & Livelihood of Wheat Growers

Case Study: Kohgiluyeh Province

S. Tajeddini*, Dr. A.Egdernezhad** & Dr. M. Mirsalehpour***

Abstract

The adoption of desirable policies for increasing production potential and reducing risk in the agriculture sector is among the government's programs for economic development. In this relation, agricultural crop insurance is considered an appropriate mechanism for reducing economic risk in the agriculture sector. This descriptive and correlational research intended to study the effects of agricultural insurance on the livelihood of wheat growers in Kohgiluyeh city. The research sample consisted of 335 insured and 335 uninsured wheat growers who had been selected randomly. The face validity of the research tool was confirmed by the relevant professors and elite, and its reliability through using the Cronbach alpha method. The results of the research showed that, there were significant differences between the two groups of the insured and uninsured wheat growers (those who adopted the insurance policy and those who did not) with respect to economic skills, income, saving, banking facilities, access to public resources, education, knowledge and information, social trust, and marital status. By Considering the results of the discriminant analysis and the ability to separate the insured group from the uninsured by using the 15 independent variables, "lifestyle" was the most important variable that separated these two groups from each other. Moreover, since the indicator of social trust was significantly different in the two mentioned groups, we suggest that the larger landowners in the region be considered as target group for promoting adoption of agricultural insurance policy so that, when they adopt it, the ground is prepared for its adoption by the small landowners.

Keywords:

Insurance, Subsistent Farmers, Socio-Economic Situation, Lifestyle, Adoption, Kohgiluyeh City.

* M.Sc degree in Agricultural Economics, Ahvaz Branch, Islamic Azad University (Corresponding Autor):

G- mail: salmantaj222@gmail.com

** Department of Irrigation and Drainage, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

*** Professor of Agricultural Economics, Ahvaz Branch, Islamic Azad University.